



شماره یک

صفحه ۷

مردسالاری مدرن

صفحه ۹

در حصار تبعیض

صفحه ۱۴

خشونت مدرن، رسانه ای

صفحه ۱۶

ویژه‌نامه روز جهانی
منع خشونت علیه زنان

فهرست مطالب

- | | |
|----|----------------------|
| ۲ | سخن سردبیر |
| ۴ | شهر چهره زنانه ندارد |
| ۷ | شماره یک |
| ۹ | مردسالاری مدرن |
| ۱۲ | ازدواج سفید |
| ۱۴ | در حصار تبعیض |
| ۱۶ | خشونت مدرن رسانه ای |



مهربانو

گاهنامه فرهنگی حوزه زنان انجمن اسلامی دانشکده شریعتی

ویژه‌نامه روز جهانی منع خشونت علیه زنان

سال چهارم، شماره ششم، پاییز ۱۴۰۰



صاحب امتیاز: انجمن اسلامی دانشجویان دانشکده شریعتی

مدیر مسئول و سردبیر: فاطمه بابائی

هیئت تحریریه: سهیلا اسکندری، ریحانه امین‌پور، فاطمه بابائی،

ریحانه فلاح، محدثه شریفی، الهام شهرابی

با تشکر از خانم‌ها مظهري و جوکار که ما را تهیه این نشریه همراهی کردند.

  @AnjomanEslami_SU



سخن سردبیر

ما ...

دختران ...

زنان ...

مادران ...

همان کسانی هستیم که از دامنشان مردان به معراج می‌روند و اصلی‌ترین کانون تربیتی، فرهنگی و آموزشی و مهم‌ترین عضو هر خانواده‌ای به حساب می‌آییم. بی‌وقفه عشق ورزیدن و محبت کردن را از برشده‌ایم، در برابر آشفتگی‌های زندگی همواره کوه صبر و استقامت بوده‌ایم و در هنگام سختی حفظ آرامش و تأمین فضای آرام خانه و خانواده بر عهده ماست. گاهی اما ورق برمی‌گردد ... ناملایمات و ناعدالتی‌ها زندگی را به کاممان تلخ می‌کند که جز رنجش سبب

تغییراتی ناخوشایند در ما می‌شود، در همین راستا هرساله ۲۵ نوامبر شاهد شعارهای زیادی جهت منع این ناملایمات و ناعدالتی‌ها تحت عنوان "منع خشونت علیه بانوان" هستیم، اما نکته اینجاست که نه تنها ما بلکه خانواده و حتی جامعه نیازی به شنیدن و سخن گفتن از این مسائل نداریم بلکه نیاز مشترک و اصلی همه ما جامعه عمل پوشاندن به این حرف‌هاست.

در این نشریه در رابطه با ابعاد متفاوت و بعضاً جدیدی از خشونت سخن به میان آمده است که نه تنها خواندنش خالی از لطف نیست بلکه موجب می‌شود هر یک از ما حواسمان را بیش‌ازپیش به محیط اطراف خویش جمع کرده و برای کم‌رنگ کردن و حتی از بین بردن این ناملایمات و ناعدالتی‌ها که نتیجه‌اش جامعه‌ای امن‌تر نه تنها برای زنان بلکه برای همه اعضای آن است گام‌های مثبتی برداریم.



شهر چهره زنانه ندارد



فاطمه بابائی
کاردانی معماری



حضورشان در فضای شهری ، به‌عنوان مهم‌ترین اصل این حوزه موردتوجه قرار گیرد .

فضای شهری مناسب برای زندگی، در شهری تعریف می‌شود که هرچه بیشتر بتواند به نیازهای شهروندانش پاسخ دهد؛ آنچه مشخص است این است که نیازهای زنان و مردان در مکان‌ها و فضای شهری یکی نیست و به همین علت نمی‌توان به خواسته‌های آنان در محل کار، رفت‌وآمد، حمل‌ونقل، ورزش و تفریح پاسخ یکسان داد. شیب پله‌های پل هوایی به‌قدری زیاد و غیرقابل استاندارد است که یک زن در هر سن و با هر فیزیک بدنی به‌سختی توان بالارفتن از آن‌ها را دارد. عرض کم پیاده‌روها مخصوصاً در مکان‌های شلوغ به‌قدری آزاردهنده است که برخی تن به عبور از خیابان می‌دهند و همین امر خطراتی را در پیش دارد .

اشتباه‌ترین تصور از نیاز بانوان جامعه در برنامه‌ریزی و طراحی شهری این است که آنان را مانند مردان در نظر گرفته و مفهوم عدالت جنسیتی را به‌مثابه برابری محض تلقی کنند . اینکه زنان نیازهای ویژه‌ای مختص به خود ندارند و تفاوت آن‌ها لحاظ نشود هسته اصلی نقص و مشکلات طراحی شهری در ارتباط با زنان است .

یکی از نقدهای جدی وارد بر برنامه‌ریزی شهری ، عدم درک چالش‌ها و سختی‌های بانوان و ایجاد عدالت فضایی در محیطی است که کاملاً با یک دیدگاه و رویکرد مردانه ساخته شده است. زنان به‌عنوان نیمی از جمعیت شهر باید به‌طور کامل از حقوق شهروندی بهره‌مند شوند. امروزه که بیشتر از هر زمان دیگری نیاز است زنان در فضای جامعه حاضر شوند لازم است تا شناخت و درک نیازهای بانوان و همچنین ایجاد حقوق مدنی و قانونی در رابطه با

عبور از فضای شهری در شب برای مردان و زنان کاملاً متفاوت است و شاید برای یک مرد معضل خاصی نباشد اما وجود معابر با عرض کم و خیابان‌های تاریک یکی از مواردی است که همواره برای بانوان ترس‌هایی را به همراه دارد.

مشکلات شهری صرفاً در حیطه عبور و مرور خلاصه نمی‌شود و مواردی مانند: عدم وجود سرویس بهداشتی مناسب علی‌الخصوص نبود مکان مناسب جهت تعویض کودک در مکان‌های عمومی مانند مترو و مراکز تجاری، عدم مکان استراحت مخصوص برای بانوان، بسته بودن اکثر مساجد و نمازخانه‌های عمومی در ساعات غیر از اوقات شرعی و... از نمونه مواردی هستند که سبب سختی‌های فراوان جهت حضور در جامعه می‌شوند.

پژوهش‌ها نشان می‌دهد که زنان دارای شم بویایی و شنوایی قوی‌تری نسبت به مردان هستند پس مادامی که در فضای جامعه قرار می‌گیرند آلودگی صوتی، آلودگی هوا و وجود بوی نامطبوع آسیب‌های بیشتری به آنان وارد می‌کند بنابراین ضروری است نسبت به کاهش این امور نیز تمهیدات لازم صورت گیرد.

شاید این مشکلات تا زمانی که یک زن به‌تنهایی در اجتماع حضور پیدا می‌کند آن‌چنان آزاردهنده و غیرقابل درک نباشد اما زمانی که او با مقام والای مادری می‌رسد و در اکثر اوقات کودک خویش را به همراه دارد شرایط متفاوت می‌شود و به طرز کاملاً مشهودی اذیت‌کننده می‌شود، وقتی مادری برای عبور و مرور با کالسکه و یا کم‌توانی برای عبور با ویلچر نمی‌تواند از پیاده‌روهای باریک گذر کند و برای تغییر مسیر با هزاران مشکل همراه است و یا وقتی برای عبور از خیابان عریض و طولی قابلیت استفاده از پل هوایی برایش مهیا نباشد، باعث بروز آسیب‌های بزرگ و جبران‌ناپذیری می‌شود. این مشکلات فقط در موارد ذکرشده خلاصه نمی‌شود بلکه



در طراحی مبلمان‌های شهری و وسایل حمل‌ونقل نیز مشهود است. عدم دقت در طراحی وسایل نقلیه شخصی و عمومی و توجه نکردن به تناسبات بدنی و آناتومی بانوان (مانند پله‌های بلند اتوبوس و طراحی نامناسب قسمت راننده در خودروهای شخصی و مواردی از این‌دست) جزو مواردی است که باعث بروز مشکلات و گاه آسیب‌هایی به زنان می‌شود.

این تبعیض تنها به این مسائل محدود نمی‌شود و افزون بر این‌ها در عدم رعایت حقوق بانوان در اجتماع نیز مشهود است. یکی از متداول‌ترین راه‌حلی‌هایی که برای افزایش حضور و همین‌طور آسایش زنان در فضای عمومی به کار می‌رود تفکیک جنسیتی است که تا حد قابل‌توجهی می‌تواند در کاهش احساس ناامنی زنان مؤثر باشد که این تفکیک در فضای عمومی به دو صورت است یا به فضای کاملاً خصوصی مانند پارک‌های بانوان ختم می‌شود و یا به فضاهای نیمه عمومی که ملموس‌ترین آن وسایل حمل‌ونقل عمومی می‌باشد و در این میان حضور آقایان در قسمت‌های مربوط با بانوان نوعی از بی‌احترامی و پایمال کردن حقوق آن‌هاست.

باتوجه به افزایش حضور زنان در جامعه بیش از گذشته انتظار می‌رود در طراحی‌ها به نیازهای آنان توجه شود، رعایت حقوقشان برای هر فرد جزو اصلی‌ترین امور قرار گیرد که این امر خود مستلزم فرهنگ‌سازی است. توجه به تمام این موارد باعث می‌شود با کمک یکدیگر جامعه‌ای سالم و امن داشته باشیم که نتیجه آن آرامش بیشتر برای هر یک از افراد فارغ از جنسیتش است.



شماره یک



ریحانه فلاح

کاردانی تربیت بدنی

بخش یا بخش‌هایی از این قالب‌های تنگ و تاریک جای نمی‌گیرند. اما این تمام داستان نیست و فقط یک روی سیاه ماجراست!

پس از انتشار خبر این نامه، کارزاری در شبکه‌های اجتماعی عرب‌زبان در تقبیح این حرکت فدراسیون فوتبال اردن و دفاع از دروازه‌بان تیم ملی ایران راه افتاد که بسیار هم موفق بود.

اما نکته جالب ماجرا اینجاست!

سکوت جامعه خود روشنفکرپندار و مدعیان دفاع از حقوق بانوان و به اصطلاح فمینیست‌ها؛ سلب‌ریتی‌ها، شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان مثل بی‌بی‌سی، سعودی، اینترنشنال و ... دقیقاً همان قشری که وقتی حرف از اهمیت ورزش زنان و حق ورود آن‌ها به ورزشگاه و... می‌شود، داعیه پیگیری آن را دارند که زنان همچون مردان بتوانند در حیات اجتماعی ایفای نقش کنند!

اما اینک این سؤال پیش می‌آید که چرا هرجا زنان و دختران ایرانی به موفقیت و پیروزی می‌رسند این جریان‌ها و شبکه‌های ماهواره‌ای، زبان به دهان می‌دوزند و لام تا کام حرف نمی‌زنند؟!

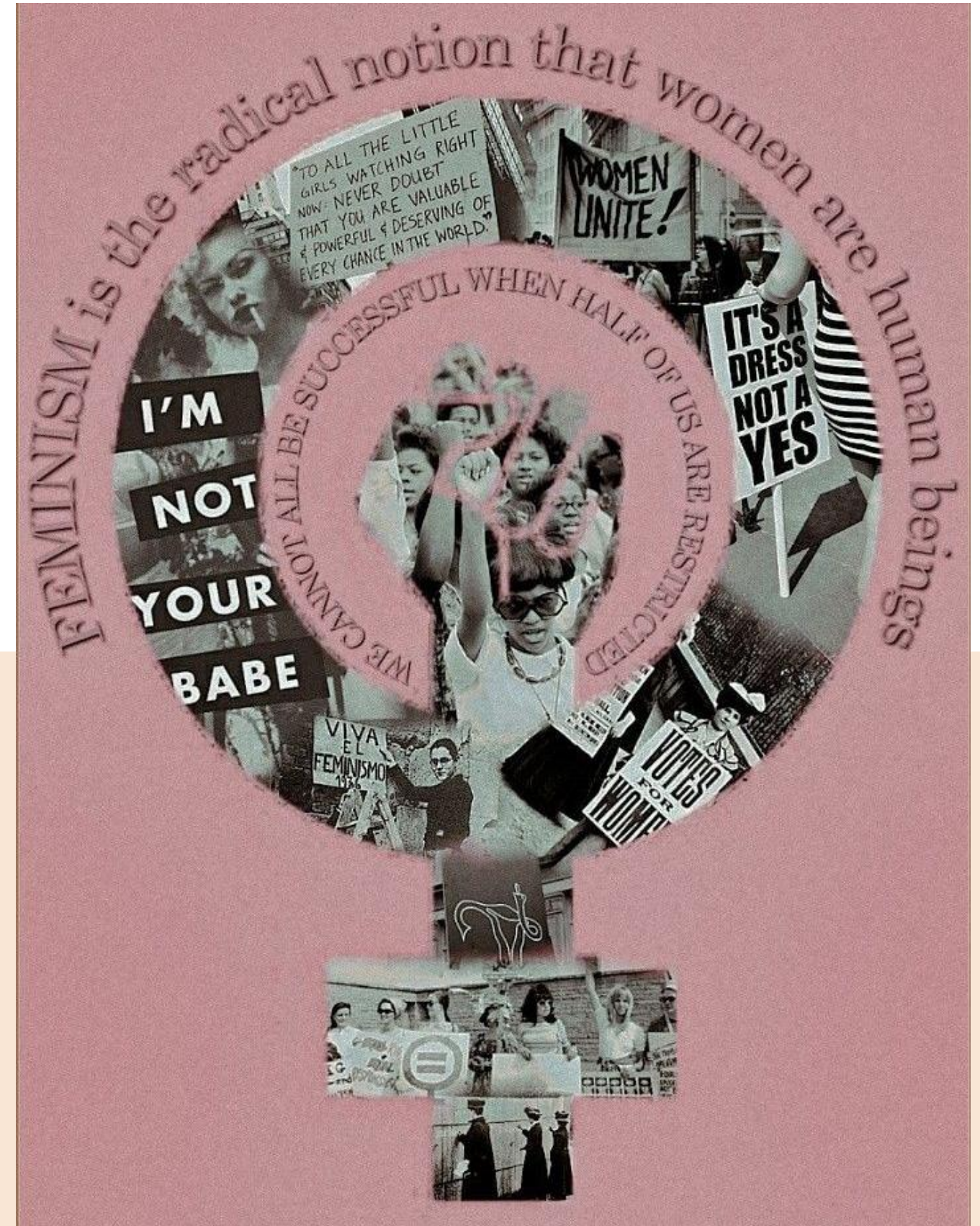
به نظر می‌رسد که موضع آن‌ها در برابر اتفاقی که برای کودایی افتاد، تشتت رسوایی‌شان را از بام انداخت و ثابت کرد که برای فمینیست‌ها؛ زهره کودایی که با پوشش در چارچوب دروازه تیم ملی زنان قرار گرفته و هرگز علیه نقش‌های همسری و مادری و

این روزها، آنچه از یک دختر ایده‌آل در ذهن آحاد انسان‌ها جای گرفته است، دختری است با چشم و ابروی زیبا، پوستی سفید و بدون لک، قدی نه‌چندان بلند، صدایی ظریف و روحیه‌ای لطیف ...

چارچوب‌هایی که از استانداردهای افسانه‌ای اروپا نشأت گرفته و استعماری جهانی را به وجود آورده است، روی سلاقی انسان‌ها دست گذاشته و اصرار دارد که زنان فقط وقتی زیبا هستند که در این چهارچوب‌ها باشند!

عاقبت این ماجرا، اتفاقی است که این روزها برای زهره کودایی دروازه‌بان توانمند ایرانی، رخ داده است. پس‌ازاین که دروازه‌بان ۳۲ ساله ایرانی توانست دو پنالتی اردنی‌ها را مهار کرده و ایران برای اولین بار راهی رقابت‌های جام ملت‌های آسیا شود، فدراسیون اردن در نامه‌ای جنسیت این بانوی ایرانی را مورد مسئله قرار داده و خواستار انجام آزمایش تعیین جنسیت کودایی شد.

اتفاق تازه‌ای نیست، تیم‌ها در پی چنگ زدن به چیزی که باختشان را بی‌اثر می‌کند، به چنین اقدامانی دست می‌زنند، اقداماتی که پایه و اساس آن، قواعد نظام تبعیض جنسیتی است، نظامی که این استانداردهای بی‌اصل و نشان را به وسیله اینستاگرام، تلویزیون، تبلیغات و ... روزانه به ما یادآوری می‌کند و زنان بسیاری را زیر تیغ زنانه سازی می‌برد و سرمایه روانی، اقتصادی و زمانشان را صرف این چیزهای بی‌ارزش می‌کند. نه فقط کودایی، بسیاری از زنان در



و امروز کمپین دفاع از او در ایران و جهان زبان زد خاص و عام می‌شد، اما نخواست که چنین باشد و در پی این اتفاق، همسان قبل، روی تمامی آرمان‌های خویش مصرانه ایستاد و به‌راستی که این عکس‌العمل به اتفاقی که برای وی افتاد، باعث شد که کودایی نمود آرمانی؛ از زنانی باشد که خود واقعی‌شان هستند و انسانیت، تلاش و پشتکار برایشان از هر چیزی مهم تر است.

نحوه پوشش اسلامی زنان شورشی نکرده، نفع و سودی نداشته و مستحق این حمایت نبوده است و بزرگ‌ترین مسئله این به‌ظاهر فعالین حقوق زنان چیزی جز مخالفت با نقش‌های همسری و مادری زنان و دفاع از حق آزادی در پوشش و ... نیست چراکه اگر غیر این بود، باید در راستای حمایت از او کمپین‌های زیادی را شاهد می‌بودیم. شاید اگر زهره یک غیر ایرانی یا یک ایرانی معترض بود، همه دنیا با او احساس همبستگی می‌کردند



مردسالاری مدرن



الهام شهبابی

کاردانی مهندسی نرم‌افزار

خلق و سازگاری با همسر را طلب کند، ممکن است با برچسب متوقع بودن مواجه شود.

دراین‌بین وجهه دیگری از مردسالاری نیز همچنان به چشم می‌خورد. در مرحله پیش از ازدواج معیارهای غیرمنطقی در انتخاب همسر برای مردان که گاهاً توسط مادران آن‌ها تعیین‌شده و برای مقبول واقع‌شدن یک دختر ابتدا چهره او را سنجیده و به روح و باطن او توجهی نمی‌شود، خود مخابره-کننده این پیام است که یک زن همواره باید بهترین ظاهر را دارا باشد تا جایی که برخی از دختران را نسبت به ازدواج دلسرد و حتی ناامید می‌کند چراکه حس می‌کنند به‌اندازه کافی برای همسر بودن زیبا نبوده و اصطلاحاً دلبری بلد نیستند. در ادامه این روند پس از ازدواج یک زن چنان برداشت می‌کند که او باید در چهره کاملاً بی‌نقص نباشد، از هیكلی کاملاً متناسب برخوردار باشد، و به‌طور کلی در خوش‌تیپ‌ترین حالت ممکن خود باشد تا جایی که استفاده از بدلیجات و یا کفش اسپرت برای او ممنوع تلقی شود! در معیت این موارد ملزم است تا با انواع مهارت‌ها در انواع فنون همسررداری آشنایی کامل داشته تا بتواند همواره جایگاه خود را در دل همسر خود حفظ نماید. طی گسترش این باور که بخش عظیمی از آن به رسانه‌ها بازمی‌گردد، زن به‌جای پرورش روح خود همواره به دنبال داشتن صورتی زیباتر است و دراین‌بین

چندین سال پس از جا افتادن سبک زندگی مدرن، و در پی سوءبرداشت‌های شخصی از الگویی جدید که تحت عنوان الگوی سوم زن در جامعه مطرح شد، مردسالاری مجدداً شکل جدیدی به خود گرفت.

مردسالاری قرن ۲۱ دیگر در مردی که حرف اول و آخر را در خانه زده و بهترین‌های هر چیز به او تعلق یابد خلاصه نمی‌شد و توقع مرد نسبت به همسر خود از تمکین بی‌چون‌وچرا به انتظار ابرقه‌رمانی خستگی‌ناپذیر بودن، تغییر یافت.

این سوءبرداشت‌های ناب‌خردانه از الگو سبب شد تا ویژگی‌هایی گاهاً فضایی و غیرقابل اجماع در یک شخص برای یک جنس مؤنث بیان شود! در الگوی معرفی‌شده زن باید از لحاظ ظاهری موجودی زیبا و بی‌نقص و دارای آراستگی کامل باشد، رفتاراً خوش‌قلب، مهربان، خوش‌صحبت و مؤدب، اهل ابراز محبت، قانع، اجتماعی و خونگرم بوده، از بعد تعامل با همسر مطیع و ولایت‌پذیر و سازگار با خانواده همسر و در پی کسب رضایت بصری و رفتاری شوهر خود باشد. از منظر موقعیت اجتماعی، تحصیل‌کرده، شاغل و دارای درآمدی مناسب بوده و اگر در مخارج خانه هم کمک‌خرج باشد که نورعلی‌نور خواهد شد.

در نقطه مقابل اگر زنی از همسر خود داشتن هم‌زمان شغلی مناسب با درآمدی بالا، تحصیلات عالی و برخورداری از امکان تأمین رفاه بالا برای خانواده و درعین‌حال مزین بودن به حسن



آمار اسفناک جراحی‌های پلاستیک و استفاده از لوازم‌آرایشی، گواه بر این مدعاست.

در سوی دیگر ماجرا و در پی برداشت‌های اشتباه از زن موفق همه‌چیزتمام، احساس سرخوردگی سرشاری برای زنان جامعه به وجود می‌آید چراکه هر زن منحصربه‌فرد و به‌نوبه خود بهترین است درنتیجه خط کش گذاری و تلاش او برای رسیدن به نقطه‌ای مطلوب که بتواند بهترین خانه و فعال‌ترین جامعه باشد، تأثیرات سوء ای بر سلامت روان به‌تبع جسم او گذاشته که گاه جبران‌ناپذیر خواهند بود. متوقع شدن نسبت به زنان در جامعه سبب کاهش عزت‌نفس و افزایش حس ناکارآمدی به آنان شده و چنین تأثیراتی سبب تربیت نسلی با اعتمادبه‌نفس ناکافی می‌شود چراکه هسته اصلی تربیت فرزند مادر خانواده بوده، و حس ناکافی بودن او تأثیر مستقیم بر روند پرورش او خواهد گذاشت.

تعریف ابرقهرمانانه از زن موفق شاید در ظاهر به نام زن تمام شد اما باطناً به کام مرد تمام خواهد بود چراکه یک مرد طی توقعاتی که این برداشت‌های اشتباه به او تحمیل می‌کند، همسر موفق را زنی ابرقهرمان شاغل، تحصیل کرده و موفق در خارج از خانه و مطیع‌ترین و کدبانوترین در خانه و تربیت فرزندان دانسته و اگر غیرازاین باشد احساس می‌کند که همسرش آن‌طور که باید خوب نیست و تن‌دادن به توقعات مرد برای یک زن به الزامی برای مقبول واقع شدن او تبدیل می‌شود درنتیجه مردسالاری به اوج خود می‌رسد. چندبعدی بودن یک زن امری مطلوب محسوب شده و هر شخص باید تلاش کند تا در زمینه‌های مختلف به رشد و مطلوب خود و کمال حقیقی برسد و در این زمینه الگوی سوم زن اگر در صحیح‌ترین حالت خود تبیین و اجرایی شود، بسیار کارآمد واقع خواهد شد اما تعریف الگوهای ابرقهرمانانه زنان قرن ۲۱ نیازمند تجدیدنظری عمیق است و در صورت امکان ادامه این روند تأثیرات آسیب‌زای آن طی چند سال آینده به‌صورت کامل بروز و ظهور خواهد کرد.

ازدواج سفید

سهیلا اسکندری

کارشناسی گیاهان دارویی



پیمان ازدواج رسمی و عهد زناشویی، امری مقدس، قابل احترام و دارای ارزش در میان تمام ادیان، مذاهب، اقوام و از مهم ترین پیمان هاست که مرد و زن را زیر نظر قانون و شرع نسبت به یکدیگر متعهد می کند.

وقتی این پیمان توسط زن و مرد امضا می شود تعهدات قانونی، شرعی، عاطفی و اخلاقی آغاز می شود و مرد متعهد می گردد تا نیازهای ابتدایی مانند مسکن، خوراک و پوشاک را برای همسر خود فراهم کند و زن نیز متعهد می شود تا در کنار تمکین، آرامش فکری، روحی و جسمی مرد را در خانه فراهم سازد که همه این سازوکارها زیر نظر قانون و شرع انجام می گیرد و چنانچه یکی از متعهدین چه مرد و چه زن از وظایف خودسر باز زند طرف مقابل با کمک قانون و قاضی شرعی می تواند احقاق حق نماید و زیر چتر حمایتی جامعه و قانون و افراد اجتماع قرار گیرد. حال اما تجربیات، شنیده ها و دیده هایمان در جامعه بیانگر این است که باوجود این امضاها و تعهدات ثبت و مهر شده باز شاهد مشکلاتی در اجرای آن از سوی طرفین هستیم. اکنون ازدواجی را تصور کنید که هیچ الزام، قانون و تعهدی در میان نباشد، در این صورت چه نابهنجاری هایی رخ خواهد داد؟ همان طور که احتمالاً شما نیز متصور شدید احتمال تخطی و فرار از بار مسئولیت خانواده بسیار راحت تر و سهل تر از ازدواج رسمی و قانونی خواهد بود. بله اینجا سخن از ازدواج سیاه و شومی است که نه تنها مشکلات جامعه و جوانان را مرتفع نمی سازد بلکه مشکلاتی صدچندان و آسیب هایی فراوان به پیکره زن، خانواده و در نهایت جامعه وارد می کند، ازدواج سیاه و شومی که از قضا آن را ازدواج سفید می نامند. ازدواج سفید را می توان در دسته خشونت مدرن تعریف کرد که به اسم آزادی روابط میان دختر و پسر رواج می یابد اما صدمات جبرانناپذیری بر طرفین و حتی اجتماع وارد می سازد. این ازدواج خسارت محض برای طرفین است چراکه هیچ الزام و شرط ضمانت کننده ای در میان نیست. یکی دیگر از مقوله هایی که از سوی کارشناسان امور خانواده در این باره طرح می شود آسیب های وارده به روح است، روحی که تمام ثروت و دارایی یک فرد است و ترمیم آسیب های وارده به آن به راحتی امکان پذیر نیست اما قسمت تلخ



ماجرا این است که در ازدواج سفید معمولاً کنار گذاشتن رابطه از سوی پسر راحت تر است و زیان دیده اصلی این خشونت در برخی از روابط دختر است چراکه به دلیل روحیه لطیف و وابستگی عاطفی بیشتر، بدون استثناء دچار شکست روحی و آسیب بیشتری می گردد.

آثار این خشونت - بعضاً - پنهان تنها با هم اندیشی و همکاری خانواده ها، درک متقابل دختر و پسر و مسئولیت پذیری مسئولین کشور، برطرف می گردد و هر کدام از این اعضاء به نوبه خود چاره ساز این معضل اجتماعی هستند و اگر یکی از این سه بازوی حرکتی از

مسئولیت خودسر باز زند، آینده روشنی را نمی توان متصور شد. تمام این پدیده های افسارگسیخته این چنینی که بنیان خانواده را هدف گرفته اند محصول غرب و صهیونیست است که زن را به مثابه یک کالای لوکس می دانند و عزت و کرامت زن، دست آویز امیال نفسانی آنها شده و انسانیت را به قیمت سرمایه اندونزی های پست، زیر پا لگدمال کرده اند. برای همین است که امروزه سومین تجارت جهانی تجارت زن و کودک است و به راستی خشونت های مدرن چه بی صدا ضربات جانکاه را به کانون خانواده جامعه وارد می کنند.

در حصار تبعیض

ریحانه امین پور

کارشناسی مهندسی معماری



LIANG LUWEN / FOR CHINA DAILY

لذت نبرد یا اینکه به سمت رفتار کردن مانند پسران کشیده شوند که هردوی این راه‌ها نه تنها کمکی نمی‌کند بلکه وضع را بدتر می‌کند و خارج شدن از هر یک از این دو حالت نیازمند زمان، تلاش و روحیه بسیار قوی‌ای است.

اغلب ما از این مسئله ساده عبور می‌کنیم، درحالی‌که با این فرهنگ اشتباه و این حد از تفاوت میان دختر و پسر و نپرداختن به حقوق دختران، موجب خراب شدن آینده و وارد شدن آسیب روحی جدی به آن‌ها می‌شویم که جبران آن بسیار مشکل است و یکی از این آسیب‌ها القای حسی است که موجب می‌شود یک دختر احساس کند چیزی جز یک شیء در این دنیا نیست و وارد مرحله خودشی‌انگاری می‌شود.

در این حالت فرد به چشم سوم شخص مفرد به بدن خود نگاه می‌کند یعنی همیشه در حال ارزیابی خود هست تا ببیند از چشم دیگران چگونه به نظر می‌رسد و همین امر موجب شده تا امروزه مراجعه به کلینیک‌های زیبایی افزایش یافته است و فرد با انجام عمل‌های زیبایی تلاش می‌کند تا بهتر از قبل به نظر برسد، درحالی‌که با ورود به این حالت فرد هیچ‌گاه از خودش راضی نمی‌شود چون به چشم یک شیء به بدن خود نگاه می‌کند که همواره نیاز به بهتر شدن دارد تا در نگاه دیگران خوب جلوه کند. ورود به حالت خودشی‌انگاری موجب می‌شود تا انسان دیگر از دیدگاه اول شخص به خود نگاه نکند یعنی دیگر اینکه خود او چه احساسی دارد برایش بی‌اهمیت شود و در نتیجه آرامش و اعتمادبه‌نفس خود را از دست می‌دهد و حضورش در عرصه‌های فردی و اجتماعی کاهش می‌یابد.

با اندکی کاوش در میان خانواده‌های ایرانی درمی‌یابیم اغلب دختران در کنار خانواده خود آرامش ندارند و همواره در حال جنگیدن با آداب و رسوم سنتی و عقاید اشتباه خانواده خود هستند، هرچند باگذشت زمان شرایط بهتر از گذشته می‌شود اما همچنان شاهد ریشه دواندن فرهنگ‌های اشتباه زیادی میان جامعه هستیم.

وقتی دختری به سن قانونی می‌رسد حق دارد زمانی را صرف برخی کارهای موردعلاقه و صحیحش بکند اما با برخوردی‌های جدی خانواده رسیدن به آن حقوق برایش یک آرزو می‌شود. یا دختری می‌خواهد بعد از سال‌ها درس خواندن به سراغ کاری مناسب برود و کسب مهارت و درآمد کند و مستقل شود همه او را سرزنش می‌کنند و می‌گویند دختر باید در خانه بماند و از فرزندانش محافظت کند و فقط کارهای خانه را بکند، چه لزومی دارد یک دختر تنها بیرون از خانه بین این‌همه مرد کار کند؟ محیط‌های کاری فعلی برای یک دختر خوب نیست و بهتر است در خانه بماند یا عده زیادی مستقل شدن دخترها را فاجعه می‌دانند، درحالی‌که اگر این تصمیم را یک پسر می‌گرفت از همه جهات او را حمایت و تشویق می‌کردند.

آن‌قدر بیهوده، پسران را از دختران برتر دانستیم که اعتمادبه‌نفس دخترها کاهش یافته و دنیا را بسیار غم‌انگیز می‌بینند و با خود می‌گویند که اگر قرار بود به دنیا بیایند تا فقط در خانه بمانند و هیچ کاری مطابق علایقشان انجام ندهند و بنشینند تا در آینده ازدواج کنند و بچه‌دار شوند و بعد آن تمام؛ چرا به دنیا آمده‌اند یا اینکه چرا پسر نیستند؟ این طرز فکر در دختران باعث می‌شود که از شدت فشار روحی و روانی افسرده شده و از زندگی خود



تأثیر تبلیغات زیبایی معتقدند بایستی کودکان از نظر رسانه‌ای هم باسواد شوند تا درک کنند که این تصاویر آراسته، واقعی نیستند.

پس نوعی دیگر از خشونت امروزی به زیبایی خشمگین تعبیر می‌شود که باعث می‌شود برخی زنان برای پیشی گرفتن در این مسابقه مرگ، بر خود هر تغییر ترسناکی را اعمال کرده و در نهایت سلامت خود را به خطر بیندازند. اگر رسانه‌ها بجای تمرکز بر زیبایی ظاهری به زیبایی باطنی توجه می‌کردند دنیای زیباتری در پیش داشتیم. امید است تا با آگاهی هرچه بیشتر خود را ابزاری جهت اعمال تغییرات ندانسته و به اعتمادبه‌نفس و زیبایی‌های باطنی خویش توجه بیشتری داشته باشیم.

می‌دانند و اعتقاددارند که پیکر زنانه مطلوب و مورد تأیید دیگران، در فرهنگی خطرپذیر تعریف می‌شود.

شاید در قدم‌های اولیه، زنان نیاز چندانی برای استفاده حداکثری از بدن خود برای جلب‌توجه نداشته باشند اما پس از مدتی، عرضه شدید توسط زنان مختلف باعث می‌شود تا مانند سایر قوانین عرضه و تقاضای بازار، شاهد اوج گرفتن به نمایش گذاشتن زیبایی زنان باشیم.

اکنون بایستی نگران افزایش تبلیغات زیبایی در سکوت مسئولین بود، سکوتی که می‌تواند مسابقه زیبایی را حتی به سنین کمتر نیز بکشاند، برای مثال درحالی‌که ما آرام از کنار چنین تبلیغاتی عبور می‌کنیم روانشناسان غربی برای کاهش



خشونت مدرن، رسانه ای

محدثه شریفی
کارشناسی گرافیک



امروزه در عصری زندگی می‌کنیم که رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی تقریباً بر تمام زندگی ما سایه افکنده‌اند و هیچ موضوعی از قبیل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ... را نمی‌توان تصور کرد که رسانه‌ها در آن نقش نداشته باشند. در جهان معاصر رسانه‌ها یکی از ابزارهای مهم جامعه‌پذیری تلقی می‌شوند و در تولید و بازتولید نقش‌های جنسی و هویت جنسی سهم بسیار مهم و درخور توجهی دارند. ازاین‌رو لازم است به تصاویری از زنان که در رسانه‌های سراسر دنیا ساخته می‌شوند نگاهی بیندازیم و ببینیم زنان چگونه توسط صاحبان رسانه و سیاست‌های رسانه‌ای به تصویر کشیده می‌شوند. تأثیر رسانه در این امر موجب مقایسه تصاویر زنان لاغراندام، جوان و بدن‌های دستکاری‌شده آنان، و در نهایت به افسردگی، کاهش عزت‌نفس و افزایش عادات غذایی ناسالم در زنان و دختران ختم می‌شود.

بحث جنسیت و زن در آگهی‌های تجاری یکی از مباحث جنجالی است. این موضوع بین منتقدان آگهی‌ها به‌ویژه در

کشورهای غربی که شیوه استفاده ابزاری از زنان رایج‌تر است، از جایگاه خاصی برخوردار است. برخوردهای کلیشه‌ای و برداشت‌های اجتماعی معین از نقش زنان در جامعه موضوع این مناقشات را شکل می‌دهد. با توجه به تأثیرگذاری تولیدات رسانه‌ای و از آن جمله تبلیغات بر فرهنگ، چگونگی بازنمایی زنان در تبلیغات و قوانین حمایتگر جهت تضمین بازنمایی صحیح دارای اهمیت ویژه‌ای است. مد به‌خودی‌خود توانایی آسیب به جامعه را ندارد. بلکه جا انداختن معیارهای کلیشه‌ای و تعریف یک الگوی ظاهری تکراری که به نام مد ارائه می‌شود، آسیب‌رسان است. درواقع مسئله اصلی که در صنعت مد رو به افزایش است، عدم تنوع است. در جوامع امروزی مدرنیته شرایطی متفاوت از قبل را برای همگان ایجاد کرده است که قدرت انتخاب و توانایی در ایجاد تغییرات در عرصه‌های گوناگون زندگی ازجمله بدن در زمره مهم‌ترین دستاوردهای این پدیده است. لیکن در سایه تحولات اخیر، برخی اندیشمندان زن بودن را در عصر حاضر امری پرمخاطره



در جوامع ما هم - یعنی جوامع اسلامی و جامعه ایرانی خود ما - متأسفانه مثل جوامع غربی یکی بی‌عدالتی در ارتباطات خانوادگی زن و مرد وجود داشته؛ عمده هم مربوط به داخل خانواده است از این باید جلوگیری گرفته شود. یک مقداری با نصیحت امکان‌پذیر است؛ یک مقداری‌اش هم با نصیحت ممکن نیست، با ضرب و زور قانون باید جلوگیری گرفته شود. زنان، مظلوم واقع می‌شوند. مرد چون از لحاظ جسمانی و برخی از خصوصیات دیگر توانایی‌های بیشتری دارد، در مواردی از این توانایی سو استفاده می‌کند و زورگویی می‌کند این باید جلوگیری گرفته شود.

رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۶/۴/۱۴